

فلسفه سوشالیسم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

آیت الله خمینی

مبارز عالیقدر و پیشوای بزرگ شیعیان

با ورود بیکران به مناسبت پیروزیهای پرشکوه خلقهای ایران

فلسفه سوشالیسم باید اشعار را در عین پیروزیهای دوران مبارزات تاریخی خلق و در عین
احساس پاسداری از این پیروزیها و ضرورت گسترش انقلاب تا نابودی کامل همه
حاکمیت امپریالیسم و نوگرانیها و مارا به ارسال این نامه و طرح یک رشته از مسائل اساسی و مهم جنبش خلق کرده است.
سازمان ما با تأیید آتش ناپایداری که شما تا امروز سر راه سرنگونی نظام شاهنشاهی از خون نشان داده اید بر همه حسود
می داند تا در آستانه این پیروزی تاریخی برخاسته اند به طریقی باطرح این مسائل به سهم خود و در حد خویش راهگشای پیروزی
فلسفی و راهی کامل خلق گردید.

با توجه به نقش حساسی که شما در این دوره از مبارزات خلق بر عهده گرفته اید و روشن است که هزینه و تضامینات و نظایر شما در این
مرحله از مبارزات خلق تبرهان ما و در نتیجه به با تخلف نظامهای بدون جبهه مبارزین خلق و در حد تو و یکبارگی مبارزات مسعود و
و نهایتاً در فراهم آوردن با زمین بودن شرایط برای پیروزی کامل خلق ما بر امپریالیسم و دست نشاندهگان و تأثیرات مهمی جفا
میزانند که است این واقعیت خود می تواند زمینه ها و دلایلی را که موجب ارسال و انتشار این نامه از جانب ما شده است، توضیح کند.
ما طی این نامه برخی مواضع و روشهای خود را و بهرمان ساقی که اعتقاد داریم در عین جبهه به آنها بهترین صاحب را برای
مردم می بینیم ما می پندیم خواهد آورد و تشریح کرده و توضیح به آنها را در جهت تحقق آرمان تاریخی خلقهای مستکبر ایران نقل می
می کنیم. از آن جا که در مواضعی اشهر و فشار ناخوار و بیخبران در زمین خلق و ضرورت دفاع از حقوق مردم و آزادیهای
دموکراتیک را بگونه ای مردم در دستور کار همه آنانکه سر راه ایرانی آزاد و دموکراتیک جلوس می کنند قرار داده است و از آن جفا
که عدم توجه به این مسائل می تواند بهترین صاحب و مشکلات را در تحقق آرمان جهانی خلق ما پدید آورد. سازمان مس
و طبق مردم خود می داند با طرح آنها در این نامه در مبارزه ای که برای ساختن ایرانی آزاد و دموکراتیک جریان دارد باز هم
فصلنامه تر شرکت میجوید.

سرانجام ضرورت طرفان زای ملیونها مردم و مستکبرین مایه مزه غرور و غلغل تا پذیر کارگران و کشاورزان و کارکنان
پوشه بران و روشنفکران و روحانیون و همه زمینگان شهر و روستا با تلاش و یگیری و جانیان از فرد فرد مردم ایران و بسط
سنگینهای ضد مردمی و ظلم جفا با تکیه خاندان مستر و پهلوی را درهم پیچیده و راه را برای رهائی کامل خلق از چنگ مستکبران
و فاشیستگان داخلی و خارجی هموار کرده است.

نه پیشروایان و نه هیچ یک از قهرمانان و هر چند هم صدیق و پاک باشند قادر نبودند و نتوانند بودند به نیروی خود و این نظم
منجر را هر برزند و مردم را از چنگ مستکبران برهانند. نخوت فرعون شاه و حکومت تکبتهار و جبارانه پهلوی را نیروی شدت
ها و غریب ها و خوین سرخ ملیونها مردم مستکبران را در هم شکست زد و سرود تا فردا بنواد همه مستکبران از بیخ و بن برکند و در
زباله دان تاریخ افکند. این پیروزیها از آن جانیان و ملیونهایی است که در برابر گوشه های درخشمان سرودند و در قفسان
های توپخانه تانک و مسلسل و دیگر اثر نداشتند. این پیروزی از آن خونهای است که بر سنگین سران ها پذیر کین کاشتند
و ضای صینه مردم را به صخران آکنده این آزادی از میان ندادند مردم است و این پیروزیها همه از آن مردم است. همه آرزوی که بسند
نگد آورد ما بر حصول جانیان خلق است و حاصل آن از آن خلق است.

کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ که طی آن شاه زیر هدایت مستقیم امپریالیسم آمریکا و حکومت ملی دکتور محمد مصدق را سرنگون ساختند
با سرقرار کردن سلطه فاشیستگانه امپریالیسم آمریکا و دیکتاتوری خدین حافظ آن و خلقهای مستکبرین ما را در چند گسود.

پیروزی با همه مبارزه و بهر سبب احیای نه تنها آزادیهای ایران

طی این سالهای سپاه رژیم شاه مزدور فرمان اربابان آمریکایی خود با هدف مشخص ادامه دارنگر پهای امپریالیسم و سرمایه داران وابسته با خشن ترین و خونین ترین روشها با قتل و شکنجه و اعدام زندان میهن پرستان و آزادخواهان روز بروز سلطه دامنشانه و حکومت جابرانه خود را در نزد مردم منفر تر و تکیه بار تر ساخت.

طی این بیست و پنج سال درد ورنج فرو خورده خلق شکنجه با از رژیم منفر شاهنشاهی و شخص شاه که به خاطر خدمت به اربابان خود از هیچ جنایتی در حق مردم دریغ نکرد - انبوه و فزاینده گشت و سرانجام با انفجاری از خشم و کین و نفرت تمام شبکه پویشی شاهنشاهی پهلوی و بساط دستگیر پهای رژیم شاه را در هم ریخت.

ما با کمال صراحت اعلام میکنیم که این انقلاب آنچه مردم را یکپارچه و متحد به خیابان ها کشانیده آنچه سینه های آکنده از اینجه درد ورنج مردم را با استقبال گوله های درخشان میفرستد ستم فزاینده اقتصادی سیاسی و ملی است و مبارزه ای که جریان دارد یک مبارزه آزادخواهانه و رهائی طلبانه یک مبارزه ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیسم و مین پرستانه است.

آیا برآستی چیزگوشی رهائی از رژیم دیکتاتوری شاه و نجات از سلطه امپریالیسم می توانست انگیزه واقعی جانبازی میهنپرستانه مردمی که امروز به خیابان ها ریخته اند باشد؟

آزادی و دموکراسی واقعی - که قطعاً تنها پس از سرنگونی امپریالیسم و ارتجاع بدست خواهد آمد - گزای ترین آرمانی است که امروز همه اقشار و طبقات خلق از کارگر و دانشجو تا کارمند و ریحانی و کشاورز همراستند کرده و به مبارزه ای تپای جان بر علیه رژیم کشانیده است.

اگر درک شما از شریعت اسلام و نهضت اسلامی پیگیری در مبارزه ضد امپریالیسمی و ضد استبدادی باشد، ما این درک شما را صمیمانه می ستائیم زیرا این مبارزه و جانبازی بیستابا عالیترین آرمان و آزادی هر شهید و رفیق فدائی همیشه و همه جا بایست و گشت و خون او عین بوده است.

اما اگر برخلاف این قصد از توسل به اسلام و تمایلین آن سرکوب هر نوع تفکر و عقیده مخالف به بند کشیدن اندیشه و احیا تفتیش عقاید و دستگاههای سرکوب احیای شعار فتنه گری و حزب و خفه کردن خردی آزادخواهی زیر پرش دفاع از قرآن و شریعت باشد، در ملتیم هر صیبه پرست آزاده ای آنرا محکوم می نماید و ایمان داشته باشیم که خلق هم چون آن را وسیله ای در دست ارتجاع امپریالیسم می بیند، با تمام قدرت بیکران خویش به افشا و نابودی آن برخواید خاست.

مردم در ماههای اخیر، دانا شاهد این گیری درگیری پاناماری بوده اند که می کشیدند زیر نقاب دفاع از مذاهب بسا تسک به غیر اسلامی بودن بساط کثافت پریشی های کثرت خیابان را در هم ریزند، به اجتماع مصلحان و دانش آموزان و کارگران در تبریز و بیست و زهرا و دیگر جاها با جدیدت و جرات حمله کنند، اعلامیه ها و نشریات مبارز تبیین و ریزنده ترین نیروهای مخالف امپریالیسم و دیکتاتوری را پاره کنند و شهیدانی را که در سالهای سپاه دیکتاتوری و اختناق زیر شلاق و شکنجه گاه های ساواک لحظه شهادت را با سرود " مرگ بر شاه " سرود گفته اند، بی شرمانه خائن به خلق نامند.

نگرانی از آن نیست که این نوع تحریکات بهانه ای بدست مخالف امپریالیسمی دهد که در معرفی نهضت پر شکوه خلق ما پایه هائی پیچ و مفرضانه انتشار دهند. نگرانی از آن نیست که هیئت نیروهای شرکت کننده در جنبش خلق ما در خدمت با آزادی زنان و اصلاحات ارضی توصیف شود. واقعیتها آشکار تر از آن است که بزبان آن را خدشه دار ساخت بگذار آنجا هر چه می خواهند بگویند. ولی آنگاه که ریحانی ناثی دستوری دهد عکسهای شهیدان بهروز دهقانی و صید بهرنکی را پاره کنند، میهن پرستان و آزادخواهان واقعی دیگر آرام نخواهند نشست. آنان با تمام توان خویش مشت این دشمن خلق را بساز خواهند کرد و او را با تمام پستی ها و بلا هتس در پیشگاه مردم به قضاوت خواهند گذاشت. توهین به میهن پرستان که تسامح سالهای سپاه دیکتاتوری را در میان دود و آتش و خون با همه هستی خویش به آرمان خلق وفادار مانده اند توهین به شرف و ناموس خلق توهین به مقدس ترین آرمان مردم است.

هیچ میهن پرست و آزادخواه واقعی، هرگز در برابر این پستی ساکت نخواهد نشست و با تمام وجود دوستان واقعی و دوستان واقعی خلق را در پیشگاه مردم به نمایش خواهد گذاشت و مشت مزدوران دشمن را در ره لباسی که باشند بازخواهد کرد.

بگذار تا از طریق اعلام به شما همه مردم میهن مان بدانند که ما این عناصر را بدلیل اعمال فوق، هنا عر مرتجع و ناگاه می نامیم و مصراغه از همه مبارزین راستین راه مردم ارشاد و طرد آنان را از صفوف جنبش خلق خواهیم. چرا که ایمان داریم ایشان یا کسانی هستند که تاریکی فکر و جهل نسبت به واقعات چشمان حقیقت بین را از ایشان دریغ داشته است و باید ارشاد گردند و با مشت از ناصر ارتجاع اند و از بیم پیروزی خلق این بار در پناه قرآن و دفاع از دیانت به افلاک گری و توطئه چنین شخص اول شده اند، که در این صورت باید فوراً رسوا و طرد شوند.

در هم ریختن نظام شاهنشاهی که تا چندی قبل فنا نایذی بودی، بهتر از هر چیز نشان داده است که اعمال زیر برای گشت اندیشه ما و عقاید ما تنها هرگز موفقیتی کسب نخواهد کرد بلکه مستقیماً به رشد پنهان نارضائی ما و مخالفت ما خواهد انجامید. هر چه این اعمال زیر شدیدتر گردد انفجار خشم و کین توده های وسیع مردم سریع تر و ناگهانی تر بساط آن را در هم خواهد ریخت.

چه کسی بهتر از شاه در ده سال گذشته در شکستن قلم ها و بستن دهان ما موفق بوده است؟ حاصل آنچه ستم شاهیه شد؟ در سر میرت تاریخ پرستی که می تواند بهترین آموزگار سائنس ایران فردا گردد. اگر امروز ایران این خشم و کین که در

مستقیم لسان نه و سرکوب است درین نگوییم آیا خواهیم توانست آینه مان را در قلوب مردم بیا دریم و به روزی و شادمانی واقعی را برای مردم همین مان بارشان آوریم؟

تجدید داشته باشیم که سیطره سیاه ۲۰ ساله دیکتاتوری وابسته با امپریالیسم و ناعدرد زبانی آگاهی و دانش سیاسی مردم را تنها بنده نیست با دیکتاتوری شاه و این خاندان محدود کرده بود. چنانچه این بخش از مردم ما به سرستی هدایت و ارشاد نکرده و تحت تاثیر تلقینات مسموم کننده سازشکاران بی ریشه و سترمایه داران خود فروخته ای که در ذرات بیسوی قدرت می خزند با بیان راه را با بیان سلطه پهلوی انگارنده آنگاه با تشدید سرگیری ها و روی گردانی های بین مردم قطعاً و تقریباً هنوز نشده امروزین بیسم خواهد ریخت و راه برای بازگشت ارتجاع هموار خواهد شد. ما بهر خطراتی که تشدید توطئه آیم مفاصمات درون جبهه خرد پیروزی انقلاب رهائی طلبانه کنونی را تهدید می کند، تاکید کرده و در همضایر کردن مردم نسبت به این خطرات لحظهای تردید نخواهیم گسرد.

شنیده و دیده می شود که گاه به گاه عناصری "حزب فقط حزب الله" گویان به مردم و عاقرین مغازه ها و اماکن عمومی، بسته کتابچرینی معاً به سخنرانان آزاد بخواد با جمیع مردمی حلقه بری شوند و چنین می اندیشند که با این کارها می توانند عقابسته و افکار خود شمیره زندگی روزگار خود را به همه چیز و همه کس تحمیل نمایند. ما بهر وضوح تاکید می کنیم که در جبهه این حرکتها ت زنده هیچ نشانی از ترقی خواهی نمی بینیم. اینان باید بدانند مردم ما بعد از ۲۰ سال خفقان و فشار، تازه امروز فرصت یافته اند و می خواهند خود شیوه زندگی خویش را انتخاب کنند، آنان باید خود تصمیم بگیرند که چه بخوانند و چه بپوشند، چه بپوشند چه اعتقاد داشته باشند. آنها در این راه و برای رسیدن باین هدف شیبید داده اند، شگنجه دیده اند و یقیناً بداندیم کسسه قطعاً قدرت و شاهپنتگسی دفاع از آنچه راهم که بدست آورده اند دارند.

مذاهب مورد اعتقاد مردم آزادی های فرهنگی، آداب و سنن و ویژگیهای ملی و قومی همه خلقهای ایران باید مورد احترام و حمایت فعال جنبش خلق قرار گیرد. مردم باید آزاد باشند خود شیوه زندگی خصوصی و اجتماعی خود را انتخاب کنند. مردم باید آزاد باشند با مذاهب خود، با زبان خود و با فرهنگ ملی خود زندگی کنند. هر تلاشی در جهت مقابله با این ویژگیها، تسلیاتی بر جمیعان خود مردمی ضد انقلابی است.

پدیده های ناانتخاب اجتماعی ریشه در بنیاد های ناانتخاب اقتصادی - اجتماعی جامعه دارد. ما معتقدیم تنها با ساختن ایرانی برکنار از تاج پهلوی های طبقاتی و ستم اقتصادی و سیاسی. فرهنگی باید به جنگ این ناانتخابی ها رفت. بیماری های اجتماعی محصول ناگزیر نظام های فاسد و سستگرا نه اند. زشتی مرکز از خود مردم نیست، هیچکس روسی و میخواره بدنیانیا سسته است آنها محصول نظام های اجتماعی پوسیده طبقاتی و سستگرا نه هستند، باید با چنین نظامها و حکومتهای حافظ آن جنگیده. ما معتقدیم که باید لایه تیزهنگام ما و نظامی حلقه ما نتیجه رژیم ما و حکومتهای حافظ این نظام های مضطرب گردد.

با این اوضاع و احوالی که حاکم است، با این رشتار ناانتخابی که از سوی برخی عناصر نا آگاه مذمومی که اکابر سیاسی شان را سانیهای سیاه دیکتاتوری در روده، با این عدم شناخت و خطی که گرفتار آند، اگر رهبران و سازمان های سیاسی جامعه میخوردی مشغول نه پالتجه که گفته آمد، نکنند بیم آن می رود که پس از سرنگونی شاه که خرامت بشرک همه مردم بوده است، همبر و تحمیل اقتدار وسیعی از مردم که حاضر نیستند معیارهای زندگی خصوصی و روابط رفتاری و اجتماعی شان را با الگوهای تحمیلی و فاسق دهند، صبر و تحمل گروههایی که با فرهنگ ما میخورد، با تفکر و عقاید و افکار خاص خود در جبهه میبند برستان برعلیه امپریالیسم و نوکرائش بارزه می کنند، هر آید و این وحدت کلمه که اینک با عظمتی باور نکردنی در سرود "مرگ بر شاه" ظنین افکن است در هم شکسته شود.

در شرایطی که تحریکات این عناصر نا آگاه با ارتجاع که جز اشاعه کومه فکری و تنگ نظری، جز قلب مامیت جنبش جز تشدید مفاصمات درون جبهه خلق و تضعیف توان آن هیچ نقش دیگری ندارد، در شرایطی که عناصر ابرعینی و نوکران درمانه بر رژیم ورشکسته دیکتاتوری فاشیستی بیش از هر کس از این حرکتها بوجد می آیند.

"سازمان چریکهای فدائیس خلق ایران" در دفاع از جناح لرزان و زحمتکشان - همراه با هزاران پیخواه و تقسیمی، در روشنفکر انقلابی، در هر دو دستدار واقعی خلق و همه سازمانها و مجامع ملی و عترقی - حق داریم و باید این روشها و این اعمال را قطع نظر از اینکه جامعه ما باشد یا آگاهانه علناً و قطعاً ضد کم کم کنیم و آن را توطئه های طرفداران شاه و نوکران امپریالیسم بناصیم.

بگذریم مردم بدانند که فدائیان خلق در نا بود کردن همه مفاصمات دیکتاتوری و امپریالیسم لحظه ای هم درنگ نخواهند کرد. بگذریم در پیشگاه خلق این با تیات رسد که هر قوی فدایی، پای جان با آرمان خلق وفادار است.

با ستایش و احترام - سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

"گسترده باد همکاری و همگامی همه آنان که در راه ایرانی آزاد و دموکراتیک مبارزه می کنند"

"ندای سواد حساسیت امپریالیسم و درک سراسر اش"

"بهتر شوم به باد حاکمیت خلق"

۱۳۵۲/۱۰/۲۸

روزنامه کیهان، ۲۸ خرداد ۱۳۵۲